

تیتراهای امروز

اختلاف نوبخت و شرعتمداری بر سر گرانی شیر

لبنیات در برزخ

در حالی که قیمت ابلاغی ۱۴۴۰ تومانی شیر اجرایی نشده بازار محصولات لبنی نابسامان شد



صفحه ۱۶

سختگویی قوه قضائیه: دنبال اجرای حکم مهدی هاشمی هستیم

۱۱ مهر دادگاه بابک زنجانی

برونده مارلیرو به دادگاه رفت

صفحه ۲

رد پای مدیر زنگنه در دکل گمشده!

صفحه ۳

جنگ واشنگتن علیه دمشق آشکار شد

حمایت هوایی از تروریست‌ها

صفحه ۱۵

نگاه امروز

در نقد «سیاست پرون‌زا»

دیگر باید چه چیزهایی را فراموش کنیم؟!

امیرعلی جهاندار

خیابان شانزدهم تیرماه پاریس را همه به عنوان یک مکان گردشگری معروف در جهان می‌شناسند؛ به واسطه ساختمان‌هایش، فروشگاه‌هایش، وینترین‌هایش و لوازمی که در آن فروخته می‌شود اما آن کسانی که در این خیابان قدم زده‌اند یک نقطه جذب مشترک را تأیید می‌کنند و آن مارش افسران فرانسوی برای سربازان جنگ اول جهانی است.

میدان شارل دوگل یا «میدان افتخارات یا پیروزی» در منتهی‌الیه جنوبی خیابان شانزدهم تیرماه است که ورودی ۱۲ خیابان را تشکیل می‌دهد و به عبارتی یک نقطه محوری محسوب می‌شود. در مرکز میدان بناهای با ستون‌های ۵۰ متری قرار دارد که ساخت آن به سال ۱۸۲۶ بازمی‌گردد اما در سال ۱۹۲۰ به یادبود کشته‌شدگان جنگ اول جهانی، مقبره سرباز گمنام در زیر آن قرار داده شد و از آن پس همه روزه در ساعت ۱۸:۲۰ هنگام غروب طی مراسمی رسمی با نواخته شدن مارش و با حضور سربازان افتخارآفرین قدیمی، چراغی برافروخته و دسته گلی بر مزار این سرباز گمنام اهدا می‌شود. فرانسوی‌ها با این کار به یکدیگر گوشزد می‌کنند که نباید اتفاقات تاریخی که بر سر مردم این کشور آمده است، فراموش شود.

غرض از بیان چند سطر بالا ورود به بحث شامگاه یکشنبه رئیس‌جمهور محترم، جناب آقای دکتر حسن روحانی بود که برای چندمین بار جلوی دوربین تلویزیون نشست تا مستقیماً با مردم گفت‌وگو کند. هر کدام از صحبت‌های روحانی خود سرفصلی مجزا برای نوشتن یادداشتی مفصل است اما این نوشته قصد دارد تنها به جلای ۲ خط از گفته‌های حسن روحانی بپردازد؛ آنجا که گفت: «ما باید ورود سرمایه را تسهیل کنیم و خواهش من از تمام مردم این است که فضا را فضای امن کنید. یک وزیر خارجه می‌آید، نگوییم این دولت چند سال پیش چنین کار خطا را کرد و ۲۰ سال پیش چنین کاری را کرد. ما اگر پرونده‌های قدیمی را رو کنیم که نمی‌شود».

به تعبیر نگارنده، روحانی با زبان بی‌زبانی اعلام کرد از امروز باید بعضی از مسائلی را که در گذشته اتفاق افتاده است فراموش کرد. چون فصل نوینی در روابط بین‌المللی رخ داده است!

ادامه در صفحه ۱۱

حسن روحانی در گفت‌وگوی تلویزیونی:

اینکه کسی فکر کند امروز توافق شد فردا آثارش را می‌بیند این طور نیست، بهره‌برداری از توافق زمان می‌برد

حالا مردم چه کار کنند؟

صفحه ۲



عکس: President.ir

یادداشت امروز

درباره اعترافات بی‌سابقه عراقچی

محمدباقر ادیب

سخن آقای عباس عراقچی در جمع مدیران و سردبیران صدا و سیما حاوی نکات بسیار مهمی است. اگرچه عراقچی این سخنان را تکذیب کرده ولی روشن نساخته است دقیقاً کدام بخش از عبارات نقل شده از وی نادرست بوده و در آن موارد، عبارت درست چیست. از آنجا که آقای عراقچی در جلسات مشابه دیگر نیز شبیه همین سخنان را بیان کرده، می‌توان با اطمینان نسبی گفت بخش اعظم آنچه از عراقچی نقل شده قابل اتکاست مگر اینکه وی تفصیلاً توضیح بدهد عبارات و جملات درست چیست.

چند نکته مهم درباره سخنان عراقچی در ادامه می‌آید.

۱- عراقچی می‌گوید مهم‌ترین تضمین اینکه این توافق پایدار خواهد بود این است که ایران قدرتمند باشد. واقعیت این است که اگر دوستان عقیده داشتند ایران قدرتمند است اساساً نباید چنین توافقی می‌کردند. روزی که می‌خواستند لزوم امتیازدهی و عقب‌نشینی را توجیه کنند، دائماً از ضعف‌ها و ناتوانی‌های کشور سخن می‌گفتند و حالا که کارشان را کرده‌اند می‌گویند ایران قدرتمند است! مهم‌تر از این، اینکه ایران قدرتمند است، توجیهی برای این نیست که آقایان یک توافق لرزان بکنند، یک متن پر ابهام نوشته‌شده شود و بعد به منظور پوشاندن خلل و فرج کارشان، ما را به قدرت ایران ارجاع بدهند. اگر حقیقتاً باور به قدرت ایران پیش‌فرض این مذاکرات بوده، حداقل خروجی آن باید نگارش یک متن مستحکم می‌بود.

ادامه در صفحه ۱۱

بهنوش بختیاری، بقال و سلمونی هم به لیست راننده تاکسی و لیوفروش اضافه شدند

فهرست جدید سریع القلم‌ها

زده که در فرصتی که آزادی بیان بیشتر از حالا باشد شاید روایت کردیم.

البته این فقط نبود. آقای جوانی که بغل دستم نشست بود هم تأکید می‌کرد چقدر این روزنامه‌های... شمشز کنده‌اند. می‌گفت: یک جای دیگر از همین رسانه این جماعت نوشته‌اند که «بهنوش بختیاری نون به نرخ روز می‌خورد». خود آن جوانی که بغل دستم بود، گفت: یکی نیست به قول ارسطو به اینها بگه مردحساب، کوسه حساب و... اگر قرار به نون به نرخ روز خوردن باشه که الان باید طرفداری از توافق می‌کرد، حتماً خبرایی هست که اینا از اظهار نظر به بازیگر اینقدر ناراحتند.

خانمی که روی صندلی جلو نشست بود فالوئر بهنوش بختیاری بود در ادامه گفت: واقعیتش خود من هم بعد این شادی‌ها زیاد حس خوبی نداشتم.

با خودم گفتم بهنوش بختیاری چندصد هزار فالوئر در شبکه‌های اجتماعی دارد؛ افرادی که اظهارنظراتش را دنبال می‌کنند و خیلی مثل همین خانمی که صندلی جلو نشست‌اند مثل او فکر می‌کنند. حالا توهین روزنامه اصلاح‌طلب به «خانم بازیگر»، فقط توهین به او نیست. کلی آدم هستند که مثل او فکر می‌کنند. تازه! روزنامه محترم توهین کننده، لیست نظر به‌پرداز دولت را تکمیل کرده و به لیوفروش‌ها و راننده تاکسی‌ها، سلمونی و بقال را هم اضافه کرده و ایضاً بازیگرها (البته وقتی که خلاف تفکر آنها اظهار نظر می‌کنند). حساب کردم دیدم اینجور پیش‌برود دیگر کسی نمی‌ماند. همین اقشار را هم کنار بگذاریم فقط می‌ماند تحریریه روزنامه وزین هتاک و چند شغل غیر مهم دیگر به‌علاوه جناب سریع‌القلم، چه کسی حق دارد بگوید بقالی و سلمونی و راننده تاکسی و لیوفروش و آدم عادی و بازیگر حق اظهار نظر ندارند؟ فکر کنید اینها به انضمام رفتگر بزرگوار که یکی دیگر از آقایان، ایشان را هم برای اظهار نظر لایق ندانسته بود، یک روز سرکار نروند، مملکت تعطیل نمی‌شود؟ حساب کنید رفتگر یک روز نیاید، خب! پدر کشور در می‌آید.

خلاصه! برایم عجیب نبود، چرا که اینها هر وقت کسی خلاف فکرشان حرف زده اینطوری کردند اگر نه همین شوم‌ها و هنرمندها چطور وقتی از توافق تعریف می‌کنند، می‌آیند و تیرت یک می‌شوند اما حالا که چیزی خلاف آمد فکر شما گفته، بد شد؟ نوبت به اولیا چو رسید آسمان تپید؟

نیت که در فرصتی که آزادی بیان بیشتر از حالا باشد شاید روایت کردیم. نیست که بعد از توافق مدتی بود که سوار تاکسی نشده بودم. نرخ کرایه مسیری که هر روز می‌آدم و می‌رفتم، بعد از توافق بیشتر شده بود. دلش را نفهمیدم تا پریشب که رئیس‌جمهور طوری حرف زد که مجری بنده خدا سوال کند: مردم باید تلاش بیشتر کنند یعنی منتظر تحول در معیشت‌شان نباشند؟ الان مردم چکار کنند؟

خب! چون ماست و لبنیات هم گران شده بود، از جایی باید می‌زدیم که به جای دیگر برسد. علی‌حال توی تاکسی که چقدر دلم برای حرف و حدیث‌های تنگ شده بود، یکی داشت توی اینستاگرامش چرخ می‌زد و آن یکی در همین شبکه‌های اجتماعی بود. حرف اظهار نظر بهنوش بختیاری درباره مذاکرات هسته‌ای شد و توهینی که یک روزنامه اصلاح‌طلب به او کرده بود. خانمی که در صندلی جلو نشست بود و معلوم بود یکی از فالوئرهای پرویاقص صفحات بهنوش بختیاری است، طوری که انگار شونصدسال است خانم بختیاری را می‌شناسد، گفت: این روزنامه‌ها چقدر نامرند. من کنجکاو شدم بینم کدام روزنامه‌ها را می‌گوید که ماجرا را تعریف کرد.

مثل اینکه چندروز پیش بهنوش بختیاری در یک برنامه رادیویی درباره مذاکرات هسته‌ای و توافق صورت گرفته گفته بود: «فکر می‌کنم با خواندن این رشته(جامعه‌شناسی) دیگر انسان دنبال هر حرفی نمی‌رود، مثلاً اگر توافق هسته‌ای انجام می‌شود سریع ذوق‌زده نشوم، سعی کنم در مورد آینده آن فکر کنم، مثلاً بینم پشت‌بند عهدنامه ترکمنچای چه اتفاقاتی افتاد؟»

آن طور که خانم محترم تعریف می‌کرد گویا همین جمله کافی بوده تا طرفداران دولت و چندتایی از این روزنامه‌های اصلاح‌طلب شروع کنند به فحاشی و هتاک علیه بهنوش بختیاری.

یکی از آنها هم با توهین به «سلمونی» ها و «بقال» ها، در مطلبی نوشته است: «(و بختیاری) یک بازیگر طنز و شوم‌ن است و اندازه همان سلمونی و بقالی می‌توان روی نظارش حساب باز کرد، ضمن اینکه چون نیازمند حضور در صداوسیماست و چنین حرف مضحکی زده، حتماً به اندازه افراد عادی هم نظارش ارزش ندارد».

راننده اینجای بحث که رسید سرش را بالا و پایین کرد: «لایه‌الله اینا خیلی دارن دیگه پرو می‌شن. قبلاً هم گفته بودن راننده تاکسی‌ها حرف نزنند. شیطونه می‌گه... حرف‌های قابل انتشاری

پاردا

قرعه کشی بزرگ حساب‌های پس‌انداز
قرض الحسنه بانک تجارت

مهر ماه ۹۴ - فروردین ماه ۹۵

جوایز هر دوره:

- ۵۰۰ ققره کمک هزینه ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی خرید خودرو
- ۵۰۰ ققره حواله ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی خرید فرش دستباف

و میلیاردها ریال جوایز نقدی دیگر

بانک تجارت
روپا نمونی
مرکز ارتباط مشتریان: ۱۵۵۴